

# اقدامات ائمه معصومین در راستانی رهبری سیاسی به عنوان یکی از شئون امامت

مبتنی بر اندیشه های حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای و با رویکرد به کتاب «انسان ۲۵۰ ساله»

زینب عابدی<sup>۱</sup>

## چکیده

تاریخ زندگی معصومین نباید فقط در چارچوب داستان ها و خاطرات پرشکوه و آموزنده مورد توجه قرار گیرند بلکه لازم است با مطالعه دقیق و بررسی همه جوانب موضوع، اصول حاکم بر شیوه زندگی آن حضرات را استخراج نموده و به عنوان الگو، در زندگی فردی و اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. با مطالعه ی دوران حدود ۲۵۰ ساله امامت، از سال ۱۱ هجری تا سال ۲۶۰ ( رحلت پیامبر اکرم تا آغاز غیبت صغری ) با برخی اصول ثابت در زندگی تمامی معصومین مواجه می‌شویم که هر چند بسته به اقتضائات زمان، شیوه و شکل آن دستخوش تغییرات بوده اما در اصل یک الگوی رفتاری ثابت و مشخص را دنبال می‌کند. این اصول ثابت برآمده از وظیفه الهی امامت است که از جانب خدای متعال تعیین و به وسیله پیامبر مکرم اعلام شده است. در میان شئون امامت سه رکن اساسی وجود دارد ؛ «آموزش دینی» ، «تهذیب روحی» و «رهبری سیاسی». رهبری سیاسی یکی از شئون اصلی امامت بوده و نمی توان آن را اقدامی فوق العاده و مستحب بر شمارد بلکه آنچه از معارف اسلامی و سیره معصومین بر می آید آن است که مبارزه با طاغوت و تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی در هر دوره ای، از جمله وظایف امام آن دوره است. در همین راستا مبارزه حضرات معصومین علیهم السلام در راستای تحقق این هدف امری قطعی است که در تاریخ زندگی ایشان قابل مطالعه و پیگیری است. مقاله حاضر در صدد است با نگاه به کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» ضمن تبیین جایگاه امامت و معرفی شئون اصلی آن، به شأن رهبری سیاسی برای امام پرداخته و مصادیقی از تلاش تعطیلی ناپذیر معصومین علیهم السلام در راستای تحقق این وظیفه و شیوه های گوناگون مبارزاتی ایشان در طول دوران امامت را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی : امامت مبارزه، با طاغوت، رهبری سیاسی، سیره معصومین.

---

۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها

## مقدمه

شناخت تاریخ حیات ائمه علیهم السلام امری مهم و غیر قابل انکار است و همگان بر این موضوع تکیه کرده اند. دامنه شناخت شیعیان نسبت ائمه معصومین علیهم السلام نباید محدود به شناخت شناسنامه ای آن حضرات همام و یا شناخت داستان هایی کوتاه از زندگانی نورانی ایشان محدود باشد. آن چه بیشتر مورد تاکید و اهمیت است آن است که شیعیان بدانند راه و رسم ایشان چه بوده است، خطوط قرمز ایشان چه بوده است؟ مبنای ایشان در دوستی ها و دشمنی ها چه بوده است؟ ایشان برای پیش برد اهداف دین خدا، چه طور برنامه ریزی می کردند و این برنامه ها را چگونه جامه عمل می پوشاندند. رهبر انقلاب در بیانات خود این را تصریح می فرمایند که گرچه عموم مردم از شیعیان، اطلاعات شناسنامه ای قابل قبولی از ائمه معصومین علیهم السلام دارند، اما این شناخت در سطوح عمیق تر یعنی شناخت اهداف و برنامه ها و روش ها مطلقاً در حد کفایت نیست و باید اصلاح شود.

## اهمیت و فایده شناخت سیره معصومین علیهم السلام

در این جا خوب است مفهوم نام آشنای «سیره» را با دقت بیشتری مورد توجه قرار دهیم. سیره مفهومی مستقل از «سیر»، «سنت» و یا «تاریخ» است. سیره یعنی راه و روش، یعنی بررسی ابعاد مختلف شخصیتی و رفتاری یک فرد، از زوایای گوناگون. لذا وقتی از مطالعه سیره معصومین علیهم السلام صحبت می کنیم منظور شناخت اصول حاکم بر تصمیم ها و برنامه ریزی ها است، و نه تاریخ تولد و محل زندگی و مرادی از این قبیل. این شناخت عمیق از سیره امام، دو فایده عمده دارد؛

### ۱) آموختن راه و روش زندگی از ایشان

قول و فعل و تقریر کسی که در مقام امامت و رهبری جامعه اسلامی قرار گرفته است، مهم ترین مشخصه برای شیوه رفتاری مأمومین جامعه است. مأمومی که می داند امامش در فلان موضوع سیاسی، یا در فلان بحث اجتماعی، چه موضعی اتخاذ کرده و چه تصمیمی گرفته است، می داند که در شرایط مشابه در طول ادوار تاریخ، چگونه باید رفتار کند که تبعیت از امام محسوب شود و مرضی رضای امام باشد. مکرراً در اسناد روایی ما در باره کیفیت نشست و برخاست و شیوه غذا خوردن و اقامه نماز حضرات معصومین، داستان ها نقل شده است که همین روایت مبنای بسیاری از فتاوی فقها است و امروزه مورد بهره برداری عموم مسلمین قرار گرفته است اما با نهایت تاسف، تا به این جای تاریخ، نقاط بسیار مهم تری از زندگانی ائمه، مثل مواجهه معصومین با موضوعات سیاسی و اجتماعی دوران خویش؛ آن طور که باید مورد دقت و پردازش قرار نگرفته و به آگاهی عموم نرسیده است.<sup>۱</sup>

این اولین فایده ایجاد شناخت نسبت به زندگی پیشوایان است که به پیروان کمک می کند تا در امور مستحدثه، شرایط را با سیره معصومین علیهم السلام تطبیق داده و در رفتار خود به گونه ای رفتار کنند که مورد رضای ایشان باشد.

## **(۲) بر انگیخته شدن و ایجاد اعتماد به نفس مذهبی**

دومین فایده مهم شناخت سیره ائمه معصومین علیهم السلام، فایده روحی و روانی آن بر جامعه است. هر جامعه ای برای حفظ هویت خود نیازمند قهرمانانی است که به آن ها مباحثات کنند. این مطلب از دیرباز تا کنون از مشترکات همه جوامع بشری بوده است. کسی که می خواهد پای یک مذهب و اعتقاد و عقیده، ایستادگی کند و به این سو و آن سو متمایل نشود، نیازمند داشتن چنین اسطوره هایی است. ائمه معصومین علیهم السلام بلند ترین و ممتاز ترین چهره های طول تاریخ اند که در زمینه های متعدد، این امکان را به پیروان می دهند تا به ایشان مباحثات کنند. جامعه ای که شخصیت های برجسته ای برای افتخار دارد ریشه دار و محکم است و برعکس، جامعه ای که شخصیت های ممتازی در پیشینه تاریخی آن وجود نداشته باشد، احساس حقارت میکند و ضعیف می شود و به راحتی به تصرف فرهنگی دیگران در می آید.<sup>۱</sup>

متأسفانه امروز هیچ کدام از این دو فایده در اختیار ما نیست. ما نسبت به زندگی سراسر نور ائمه طاهرين علیهم السلام، نه شناخت آموزنده داریم و نه شناخت انگیزاننده. این عدم شناخت ما دشمن را به فکر می اندازد تا با به فراموشی کشاندن و یا تحریف این شخصیت های بزرگ، این میراث گرانقدر از جامعه ما بگیرد. همین عدم شناخت موجب می شود که مومنین وحدت خط مشی موجود میان ائمه طاهرين را درک نکرده و مدعی وجود تفاوت ماهیتی میان رفتار ایشان می شوند. طبیعی است که شرایط زمان امامت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام با حضرت سیدالشهدا و با حضرت امام رضا علیهم السلام یکسان نبوده و رفتار های به ظاهر متفاوت از ایشان دیده شود. اما این دلیل بر وجود تفاوت میان ایشان نبوده و نباید جملات به ظاهر متفاوت ایشان و یا رفتار ها به ظاهر متناقض ایشان را ناشی از تفاوت در سیاست و خط مشی دانست.

با مطالعه دقیق زندگی ائمه و حصول شناخت نسبت به سیره این بزرگواران، می توان به اصول مشترک و ثابتی در میان رفتار های ایشان پی برد که گویی یک روح است که در طول ۲۵۰ سال و در قالب دوازده امام جلوه کرده است. این تعبیر «انسان ۲۵۰ ساله» از حضرت آیت الله خامنه ای دقیقاً بیانگر همین موضوع است. ایشان در سخنرانی آیین افتتاحیه دومین کنگره جهانی امام رضا علیه السلام در سال ۱۳۶۵ این طور ایراد کرده اند:

زندگی این بزرگواران علی‌رغم تفاوت ظاهری - که بعضی حتی احساس تناقض کردند میان برخی از بخشهای این زندگی در مجموع یک حرکت مستمر و طولانی است که از سال ۱۱ هجرت شروع میشود و ۲۵۰ سال ادامه پیدا میکند، و به سال ۲۶۰ که سال شروع غیبت صغرا است، خاتمه پیدا میکند. این بزرگواران، یک واحدند، یک شخصیتند؛ نمیشود شک کرد که هدف و جهت آنها یکی است.

در ادامه با پرداختن به موضوع «رهبری سیاسی» به عنوان اصلی ترین شأن امامت، تلاش ایشان برای برهم زدن نظام طاغوت و زمینه سازی برای تشکیل حکومت اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## امامت

امامت در لغت به معنای پیشوایی است و در فرهنگ اسلامی بیشتر در خصوص رهبری در شئون اجتماعی به کار می‌رود. در نظر شیعه امام نه تنها رهبری سیاسی را عهده دار است بلکه رهبری فکری و اخلاقی جامعه نیز در حیطه اوست. در واقع شیعه کسی را امام می‌داند که توانایی رهبری در هر سه حوزه مذکور را داشته باشد و صرف حُسن اداره سیاسی برای اطلاق امامت یک فرد کفایت نمی‌کند. به عبارت دیگر امام یک جامعه همان قدرت فائده ای است که حرکت جمعی و منش فردی افراد آن جامعه را توجیه و رهبری می‌کند و همزمان هم آموزگار دین و اخلاق و هم فرمانروای زندگی و تلاش آن هاست. با این تعبیر پیامبر هم امام است.

این آمیختگی سه مفهوم «رهبری سیاسی»، «آموزش دینی» و «تهذیب روحی»، ناشی از آن است که در اسلام این سه جنبه از یکدیگر تفکیک نشده و دین نیز به عنوان برنامه ای از این سه جهت بر انسان عرضه شده است.

پس نباید مفهوم امامت را به یک منصب معنوی و فکری و روحی تنزل داد. امام جامعه «رهبر امت» است؛ هم در امور دنیایی و نظم و نسق زندگی مردم و اداره سیاسی و اجتماعی جامعه و هم تعلیم و ارشاد معنوی و روحی و گره گشایی از مشکلات فکری و تبیین ایدئولوژی اسلام. در کتاب «الحجه» کافی، در حدیثی از حضرت امام صادق علیه السلام صراحتاً گفته شده است که همه امتیازات و نیز همه تعهدات پیامبران را امامان نیز دارا هستند. و یا در حدیث دیگری از ایشان به وجوب فرمانبرداری از اوصیاء در تفسیر واژه اولی‌الأمر اشاره شده است.

صدها روایت پراکنده در باب‌های گوناگون کتاب‌های مختلف صریحاً مفهوم امام و امامت در فرهنگ شیعه را «زمامداری» و «اداره امور مسلمین» دانسته و اهل بیت علیهم السلام را صاحبان اصلی حکومت معرفی کرده

است.<sup>۱</sup> به گونه ای که برای پژوهشگر منصف هیچ جای تردیدی باقی نمی گذارد که ادعای امامت توسط ائمه طاهرین، به معنای رهبری فکری و معنوی نبوده و دقیقاً ادعای حق حکومت و در حقیقت دعوت به مبارزه ای سیاسی — نظامی برای بدست آوردن حکومت بوده است.

بنابر این رهبری سیاسی و به عبارت دیگر تلاش برای تشکیل حکومت، یکی از شئون اصلی امامت است و قطعاً هر امامی، متناسب با شرایط زمان خود، برای تحقق این امر تلاش و مبارزه می کند. لذا این تصور که ائمه هشتگانه از امام سجاد علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام فقط به ذکر احکام دین و بیان معارف پرداخته و مبارزه سیاسی با حکومت های طاغوتی زمانشان نداشته اند، اساساً با فلسفه امامت در نظر شیعه متعارض است و با مطالعه زندگی این حضرات معصومین نیز چنین نتیجه ای حاصل نمی شود. همانطور که زیارت امین الله یکایک معصومین علیهم السلام را اینگونه خطاب می دهیم که «اشهد انک جاهدت فی الله حق جهاده»، زندگی ائمه معصومین همگی و سر تا سر جهاد و مبارزه بوده است به مثابه یک انسان ۲۵۰ ساله مبارز، که در طول این سال ها، شاید شیوه مبارزه او متناسب با شرایط تغییراتی کرده اما این اصل اساسی هرگز کمرنگ نشده است. شاهدی قطعی بر این مدعا آن است که همگی ائمه یازده گانه شیعیان شهید شده اند. سوال این جاست که اگر این حضرات خطر جدی برای حکومت وقت نداشته اند و اقداماتی علیه آنان نمی کردند، چرا خلفا ایشان را زندانی و تبعید میکردند و نهایت به شهادت می رساندند؟!<sup>۲</sup>

با مطالعه تاریخ حیات ائمه معصومین می توان دوران امامت را به چهار دوره تقسیم بندی نمود؛ دوره اول، دوره ۲۵ ساله امامت حضرت علی علیه السلام در زمان خلفای سه گانه است. دوره دوم، دوره ای حدوداً ۵ ساله از زمان آغاز حکومت علوی و تا پایان دوره کوتاه حکومت شش ماهه امام حسن علیه السلام است و دوره ای است که امام به حکومت رسیده و حکومت اسلامی تشکیل شده است. دوره سوم، دوره ۲۰ ساله امامت حضرت امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السلام است که در زمان صلح با معاویه بوده و با تلاش های پنهانی امام برای ایجاد تشکیلات شیعه و زمینه سازی برای قیام همراه شده است که در نهایت به قیام های از جمله قیام سیدالشهدا علیه السلام و واقعه کربلا منتهی شده است. دوره چهارم، دوره مبارزاتی تشکیلاتی با قدرت ها و گسترش اسلام حقیقی که مربوط به دوران بعد از واقعه کربلا است.

عموم شیعیان از سه دوره اول تا حدود بیشتری اطلاع داشته و با خبر اند و درک این مطلب که مثلاً امیر مومنان و یا سیدالشهدا علیهما السلام، امامانی مبارز بوده اند چندان دور از ذهن ها نیست اما مطلب اصلی ما در خصوص

---

۱ به عنوان نمونه ؛ امام رضا علیه السلام: الإمامة زمام الدین ونظام المسلمین وصلاح الدنیا وعز المؤمنین، إن الإمامة أس الأئمة السلام النامی و فرعه؛ امامت، زمام دین و مایه نظام و تشکیلات مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. رهبری، پایه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است.

یا در جای دیگر که هارون الرشید قصد می‌کند فدک را به امام علیه السلام برگرداند و در همین راستا حدود آن را جویا می‌شود، امام حدود فدک را معادل کل خلافت اعلام نموده و این گونه اعتقاد به غاصب بودن هارون الرشید را علناً فریاد می‌زند.<sup>۱</sup>

در همین دوران نیز قیام‌هایی از سوی یاران و نزدیکان امام علیه السلام علیه دستگاه خلافت صورت می‌گیرد که از مهم‌ترین و مشهورترین آنان قیام شهید فخر، حسین بن علی از سادات حسنی است که با حمایت مالی و معنوی دستگاه امامت برپا شد و شهادت عده‌ای از شیعیان منجر شد.<sup>۲</sup>

سرانجام دستگاه خلافت که دیگر تحمل مبارزات حاد، امام علیه السلام را ندارد ایشان را برای چندمین بار زندانی کرده و این بار به حبس ابد محکوم می‌کند. البته که تحمل طولانی شدن همین حبس را هم نداشته و امام علیه السلام را به شهادت می‌رساند. در نتیجه مبارزات در این دوران؛ شیعه در بغداد یعنی مرکز خلافت عباسی نیز ریشه دوانده بود که داستان تشیع با شکوه پیکر مطهر موسی بن جعفر علیه السلام شاهی بر این مدعاست.

دوران ۳۵ ساله امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، همزمان بود با خلافت چهارتن از مقتدرترین خلفای عباسی، منصور، هادی، مهدی و هارون عباسی. فضایی توأم با اختناق شدید و سهولت در جنایتگری، به گونه‌ای که در گفته‌های یکی از یاران حضرت علی بن موسی با این تعبیر که «از شمشیرها خون می‌چکید» از این دوران یاد شده است. هنر بزرگ امام علیه السلام آن بود که توانست درخت تشیع را از گزند این سال‌های سخت به سلامت عبور داده و با استقرار شیوه «تقیه» تشکیلات پنهان شیعه را گسترده‌تر و قدرتمندتر سازد.

## ۹) دوران امام رضا علیه السلام

گزارش‌های زیادی از دوره ابتدایی امامت حضرت رضا علیه السلام در تاریخ باقی‌نمانده و به صورت مشخص خبری از اقدامات امام در دوره ده ساله همزمانی با هارون الرشید و همچنین دوره پنج ساله درگیری‌های داخلی میان بغداد و خراسان در دسترس نیست. اما آن‌چه از جمیع اخبار بدست می‌آید آن است که حضرت همچون پدران گرانقدرش، تبلیغات پنهانی و تشکیلاتی را ادامه داد و لحظه‌ای دست از مبارزه نکشیده‌اند.

با استقرار مأمون به عنوان خلیفه در خراسان، اوضاع حکومت عباسی سامان یافت و دستگاه خلافت متوجه اقدامات شیعه شد. گسترش جمعیت شیعه و قدرتمند شدن تشکیلات او مأمون عباسی را وادار کرد تا حضرت

---

۱ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، موسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۴۶۱

۲ واقعه فخر از قیام‌های علویان علیه عباسیان در سال ۱۶۹ ق است که در روایتی از امام جواد (ع)، بعد از واقعه کربلا، سخت‌ترین ابتلای اهل بیت (ع) بوده است. این واقعه به رهبری حسین بن علی بن حسن معروف به صاحب فخر از نوادگان امام حسن (ع) در عصر امام کاظم (ع) و در مدینه شکل گرفت و به کشته شدن او و بیشتر یارانش انجامید. از آنجا که این واقعه در منطقه فخر در چهار کیلومتری مسجدالحرام رخ داد به قیام فخر یا قیام صاحب فخر مشهور شده است.

علی بن موسی علیه السلام را از مرکز تشیع دور سازد و او را در جوار خود در مرو تحت نظر داشته باشد. مأمون در ماجرای انتخاب حضرت رضا علیه السلام به ولایتعهدی اهداف متعددی را دنبال می کرد؛ اولین و مهمترین آنان تبدیل مبارزات حادّ شیعیان به فعالیت سیاسی آرام بود. دومین هدف ایجاد نزدیکی بین جریان شیعه و دستگاه خلافت بود تا خطر آن ها را کاهش دهد، هدف سوم مشروعیت بخشی به دستگاه خلافت عباسی بود چرا که بنی عباس از ابتدا با شعار قرابت با اهل بیت علیهم السلام روی کار آمده بودند. چهارمین هدف ایجاد فاصله میان امام و توده شیعیان و قلوب آنان بود، هدف پنجم ایجاد اعتبار و حیثیت برای خلافت عباسی با بهره گیری از وجاهت امام علیه السلام و هدف ششم مراقبت نزدیک و دقیق بر امام علیه السلام .

این مجموعه بخشی از اهداف مأمون در خصوص اتخاذ سیاست انتخاب امام رضا علیه السلام به ولایتعهدی بود. اهدافی که با تدابیر و رفتار های امام نه تنها محقق نشد، بلکه عرصه را بر مأمون تنگ تر کرد. اولاً حضرت رضا علیه السلام با ردّ پیشنهاد خلافت و با استنکاف از پذیرش ولایتعهدی، مخالفت علنی خود را با خلافت عباسی آشکار کرد. بعد که امام علیه السلام مجبور به پذیرش شد، با ایراد شرط آن که در تصمیمات دخالت نکند باز هم مشروعیت خلافت را زیر سوال برد. در ادامه نیز با توجه به حضور امام در دربار گشایش هایی برای حضرت و اطرافیان محقق شد و نام ایشان و راه و مرام ایشان بیش از پیش بر سر زبان ها افتاد. مأمون قصد داشت تا با این کار شیعیان را از مبارزه دلسرد کند و بین ایشان و امام علیه السلام فاصله بیاندازد اما با رسیدن اخبار کیفیت رفتار امام با مأمون این نقشه خنثی شده و مبارزات پنهانی و مستمر شیعه نیز در این دوره ادامه یافت.

## **(۱۰) دوران امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام**

شیعه بعد از سال های متمادی و بعد از دوره موسی بن جعفر و علی بن موسی علیهم السلام، در نهایت قدرت تشکیلاتی بوده و خلفای عباسی احساس میکردند در خلافتشان کس دیگری حکومت می کند و توان تحمل این اوضاع را نداشتند. از همین رو دستگاه خلافت شدت بر ائمه طاهرین را بیشتر کرده و ایشان را در تبعید و یا نظارت کامل نگاه داشته و در جوانی به شهادت می رساند.

دستگاه خلافت امام جواد علیه السلام را شدیداً تحت نظر داشته و نهایت در اوج جوانی و در ۲۵ سالگی به شهادت رساند. امام هادی علیه السلام به سامرا تبعید شده و بار ها توسط دستگاه خلافت زندانی های طولانی مدت شدند و در ۴۲ سالگی به شهادت رسیدند. امام حسن عسکری علیه السلام نیز تمام عمر شریف خود را تحت نظارت و در محله نظامی زندگی کرده در ۲۸ سالگی به شهادت رسیدند. در این سال ها شیعه در خفقان کامل بود و هرچند تشکیلات تشیع به اقدامات تبلیغی و ترویجی خود می پرداخت و شبکه شیعه زنده و پویا بود اما امکان قیام عملاً منتفی شده بود.

در این سال ها و به طور مشخص از دوره امامت امام جواد علیه السلام که فشار ها بر ائمه بیشتر شده و نظارت بر ایشان تشدید شده بود، تشکیل شبکه ای از وکلا در دستور کار امام علیه السلام قرار می گیرد. شیعه باید بتواند در اختناق شدید ارتباط خود با امام را هرچند محدود تر از قبل شده باشد، متصل نگاه دارد. این امر در زمان امامت امام جواد علیه السلام و پس از ایشان در دوره امام هادی علیه السلام ادامه داشت و محقق شد. وکلای امام در ساختار شبکه ای سرّ و مخفی در میان شیعیان حاضر بوده و از طُرُق سرّی و پیچیده با امام علیه السلام مکاتبه داشته اند و از این طریق برای اداره تشکیلات عظیم شیعه کسب تکلیف می کردند. این شبکه وکلا و فقها روز به روز منسجم تر و قوی تر شد و در زمان امامت امام حسن عسگری علیه السلام و در آستانه دوره غیبت، زمینه را برای حفظ و دوام تشکیلات شیعه در صورت قطع رابطه با امام مهیا ساخت.

## نتیجه گیری

اصل رهبری سیاسی به عنوان یکی از شئون امامت به عنوان یکی از وظایف اصلی امام همواره مدّ نظر ائمه معصومین بوده است. ایشان در طول دوره امامت که از زمان رحلت پیامبر آغاز و تا آغاز غیبت صغری ادامه داشته است، پیوسته در حال مبارزه برای تحقق این هدف بوده اند. در دوره کوتاهی این هدف محقق شده و حکومت علوی تشکیل شده و رهبری سیاسی به نمایش گذاشته شده است اما در سایر دوره ها نیز شأن رهبری سیاسی از عهده امامت خارج نشده و ائمه معصومین علیهم السلام با راه اندازی تشکیلاتی پنهان با هدف گسترش جمعیت و افزایش قدرت فکری و مالی و سیاسی شیعه به این مهم پرداخته اند.

مبارزه ائمه علیهم السلام دو شأن اساسی داشته است؛ یکی احیاء تفکر و معارف اسلامی و صیانت از آن و دیگری تاسیس و اداره تشکیلات مذهبی سیاسی مخفی . در نتیجه این اقدامات در طول این ۲۰۰ سال و در شرایطی که بعد از عاشورا به گفته امام صادق علیه السلام فقط سه نفر از شیعیان باقی مانده بودند؛ جمعیت شیعه روز به روز افزایش یافت، معارف حقّه شیعه گسترش و تعمیق یافت، تشکیلات شیعه گسترده شد و با امکانات نظامی و مالی قدرت پیدا کرد و تا به جایی رسید که نه تنها از خطر حذف و فراموشی رهانیده شد بلکه تبدیل به مؤثر ترین جریان اسلامی تاریخ شد.

## فهرست منابع

۱. همزمان حسین علیه السلام ؛ انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
۲. انسان ۲۵۰ ساله؛ انتشارات موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰.
۳. پیشوای صادق؛ انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
۴. دو امام مجاهد؛ انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
۵. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، موسسه امام صادق(علیه السلام)، ۱۳۹۰.